

سر آغاز

بی نام تو نامه کی کنم باز

در مباحث مربوط به شناخت فرهنگ و هنر جوامع باستان، ایران یکی از شاخص‌ترین کشورهای باستانی است. کم نیستند صاحب‌نظران سیاسی و فرهنگی و هنری جهان که ایران را در دوران باستان یکی از حوزه‌های مهم تمدن و فرهنگ و هنر جهان به شمار می‌آورند. در واقع در دوران اسلامی نیز ایران از جنبه‌های گوناگون نقش چشمگیری در گسترش فرهنگ و هنر اسلامی داشته و در دوره‌هایی، در مناطق وسیعی از سرزمینهای شرق اسلامی، پیشتاژ و تأثیرگذار بوده است. البته این نکته را هم بگوییم که سهم ایرانیان در گسترش و پیشرفت‌های فرهنگی و هنری جهان اسلام هنوز از سهم اقوام و جوامع دیگر تفکیک نشده و تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است. شناخت اجزای بسیاری از نهادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اوایل دوره اسلامی - دوران امویان و عباسیان و حتی دوره‌های متأخرتر - بدون فهم درک ریشه‌های آنها در دوران پیش از آن تا حد زیادی ناقص و مخدوش است. به واقع، ما ناگزیریم برای شناخت درست‌تر و عمیق‌تر فرهنگ و تمدن اسلامی به دوره‌های پیش از آن بپردازیم.

در میان آن دسته از کشورهای کنونی جهان که حوزه‌های تمدنی و فرهنگی جهان باستان را تشکیل می‌دادند - هند و چین و ایران در شرق، و یونان و روم در غرب - ایران از جمله شاخصان است. اگر بخواهیم، در یک عبارت، اهمیت ایران را در دوران باستان از لحاظ سیاسی نیز خلاصه کنیم، به اصطلاح امروز، باید بگوییم ایران یکی از قدرتهای بزرگ جهان باستان بوده است.

اطلاعات مربوط به ایران باستان در بیشتر منابع اوایل دوره اسلامی با اسطوره و افسانه درهم آمیخته است. زمینه‌های درک و فهم این وجوه از تاریخ ایران باستان را در جهان کنونی، بیشتر، دانشمندان ایران‌شناس غربی فراهم آورده‌اند. باستان‌شناسان و زبان‌شناسان ایران‌شناس غربی شناخت اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و نهادهای متعلق به آن در دوران ماد و هخامنشی و اشکانی و ساسانی را با فنون علمی جهان معاصر امکان‌پذیر کردند.

از این رو، بی‌شک، در دو سه قرن اخیر، ایران‌شناسان غربی با کشف راز و رمزهای تمدن کهن ایران و شناساندن آن به جهانیان نقش بسیار برجسته‌ای داشته و دارند. درست است که در قرن گذشته میلادی به دنبال ایجاد دانشگاه در ایران و آموزش علوم به سبک دانشگاه‌های غربی، برخی استادان ایرانی در حوزه فرهنگ و زبانهای باستانی ایران با عینک بدبینی به یافته‌های دانشمندان غربی می‌نگریستند و گاه با نگرشهای ملی‌گرای افراطی می‌کوشیدند تأثیر فرهنگ و تمدن باستانی ایران را در تمدنهای دیگر، بیش از آنچه واقعاً هست جلوه دهند، اما خوشبختانه در محافل دانشگاهی امروز ایران این نوع نگرشها تقریباً بسیار اندک است و استادان فرهیخته ایرانی تلاشهای صادقانه ایران‌شناسان غربی را که به نقاط تاریک تاریخ و تمدن ایران باستان پرتوهای تازه افکنده‌اند به درستی ارجح می‌نهند. البته، اقلیتی از ایران‌شناسان غربی بوده و هستند که با نگرشهای افراطی خود تحقیقات ایرانیان را در حوزه ایران باستان به کلی نادیده گرفته‌اند.

در دو دهه اخیر روابط میان محققان ایرانی و غربی در حوزه ایران باستان مطلوب نبوده است و، به ویژه، آثار ایران‌شناسان غربی، بنا به دلایل متعددی، کمتر به دست محققان ایرانی رسیده و می‌رسد.

انگیزه اصلی انتشار مجله *نامه ایران باستان*، که در نوع خود تا حدی تازه‌گی دارد، ایجاد زمینه‌های مساعد برای روابط علمی سازنده میان محققان ایرانی و غیرایرانی به منظور ارتقای پژوهشهای ایران‌شناسی است. در گذشته این گونه روابط - هر چند اندک - گاه به نتایج درخشانی انجامیده است. بنابراین، *نامه ایران باستان* می‌کوشد با چاپ مقالات تحقیقی و نقد و معرفی آثار مربوط به دوران ایران باستان به زبانهای مختلف (فارسی، انگلیسی، عربی، آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی) این گونه روابط را گسترش دهد و تعمیق بخشد. آرزو می‌کنیم که مجله *نامه ایران باستان* در گرمی و گسترش بازار ایران‌شناسی و تعمیق تحلیل و توصیف موضوعهای مربوط به ایران باستان مؤثر افتد و جایگاه انتشار آن محل بحث و تجمع و انتشار موضوعات شوق‌انگیز علمی و هنری در زمینه مسائل ایران‌شناسی شود. امیدواریم طوری برنامه‌ریزی کنیم که *نامه ایران باستان* به راحتی به دست پژوهندگان و علاقه‌مندان پیگیر مسائل و موضوعات مربوط به ایران باستان، در همه جا، از جمله در اروپا و آمریکا، برسد.